

بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی

ولی خدادادی^۱، رامین قربانی^۲، نیکو خوانساری^۳

چکیده: هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران است. در این مقاله از متغیر مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت، به‌منزله ساختار مالکیت مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی، استفاده شده است. در همین راستا برای تبیین ارتباط بین ساختار مالکیت و حق الزحمه حسابرسی، چهار فرضیه تدوین شد. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، جمع‌آوری شدند و از الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی اثر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارند، اما نتایج پژوهش برای تأثیر مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی معنادار نبوده است.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی، مالکیت مدیریت، مالکیت نهادی.

۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

۲. کارشناس ارشد رشته حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

نویسنده مسئول مقاله: ولی خدادادی

E-mail: vkhodadadi@scu.ac.ir

مقدمه

مشکلات نمایندگی در نتیجه تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، یا تضاد منافع بین سهامداران اقلیت و سهامداران کنترل‌کننده ایجاد می‌شود. این مشکلات، در نهایت باعث هزینه نمایندگی خواهد شد که به شرکت و ذی‌نفعان منتقل می‌شود (جنسن، ۱۹۸۶). یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کننده از صورت‌های مالی سهامداران هستند. از این رو تصور می‌شود که ساختار مالکیت شرکت‌ها، ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها در ارائه گزارش‌های مالی منجر شود. هنگامی که سطح مالکیت اعضای هیئت‌مدیره به نحوی باشد که برای آنان کنترل ایجاد کند، یا سهامداران اکثریت با نفوذ در هیئت‌مدیره این قدرت را برای خود ایجاد کنند، بین این سهامداران و سهامداران اقلیت، تضاد منافع ایجاد خواهد شد (لوپز و سانتاماریا، ۲۰۰۷). در این صورت، سهامداران کنترل‌کننده می‌توانند بر پرداخت‌های نقدی مربوط به سهامداران اقلیت یا سودهای ایجادشده غیر معمول در شرکت، اعمال قدرت کنند (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲).

مسئله وجود سهامداران کنترل‌کننده و حمایت از سهامداران جزء، به این دلیل بسیار مهم شده است که وجود تضاد منافع بین آنان، موجب ایجاد عدم اطمینان در بازار سرمایه خواهد شد. به نظر می‌رسد حسابرسی که یک حرفه مستقل و بخشی از سیستم نظارتی سهامداران شمرده می‌شود، وظیفه اعتباردهی به گزارش‌های مالی هیئت‌مدیره را دارد و به کمک آن می‌توان برای ذی‌نفعان ایجاد اطمینان کرد. از سویی، ساختار مالکیت شرکت‌ها از طریق اثرگذاری بر شدت مسئله نمایندگی، اندازه، ریسک و پیچیدگی شرکت، بر حق‌الزحمه حسابرسی اثر خواهد گذاشت. میزان اهمیت این عوامل در کشورهای مختلف متفاوت است (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۱).

در کشور ایران نیز، به دلیل ساختارهای متفاوت مالکیتی شرکت‌ها و روند خصوصی‌شدن برخی شرکت‌ها، بررسی این موضوع که تغییر در ساختار مالکیت از دیدگاه حسابرسان - که وظیفه اعتباردهی به صورت‌های مالی را برعهده دارند - چه تأثیری در شدت مسئله نمایندگی دارد، نیازی اساسی به نظر می‌رسد. برای دستیابی به این پاسخ، در پژوهش پیش رو تلاش شده است به بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و تنوع سهامداران کنترل‌کننده که از مسائل مهم بازار سرمایه است، پرداخته شود تا به کمک آن بتوان از یک سو با تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، اطلاعات مهمی در مورد شدت مسئله نمایندگی شرکت‌ها که ساختار مالکیت متفاوتی دارند، در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار داد و از سوی دیگر، حسابرسان نیز با شناسایی این عوامل بتوانند خدمات خود را به نحو مناسبی قیمت‌گذاری کنند.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

مطالعات بسیار زیادی در زمینه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی انجام شده که هر کدام به بررسی جنبه‌های خاصی از آن پرداخته‌اند، اما مهم‌ترین مطالعه‌ای که در این زمینه انجام شده و به دلیل پشتوانه نظری آن اساس سایر مطالعات قرار گرفته، مطالعه سایمونیک (۱۹۸۰) است. در مطالعه وی، حق الزحمه حسابرسی وابسته به نرخ هر ساعت کار حسابرسی و تعداد ساعات کار حسابرسی است که بسته به نظر حسابرس درباره پیش‌بینی ریسک خطا و اشتباه در صورت‌های مالی، متغیر است. وجود کنترل‌های قوی در شرکت، حسن شهرت مدیران، اندازه شرکت مورد رسیدگی و تعداد شرکت‌های فرعی، بر پیش‌بینی حسابرس از ریسک و ساعات مورد نیاز برای حسابرسی تأثیر می‌گذارد. در نهایت حسابرس به برآورد ریسکی می‌پردازد که از تمرکز مدیریت، شدت وجود مسئله نمایندگی و سایر عوامل نشئت می‌گیرد و با توجه به آن، کار حسابرسی را برنامه‌ریزی کرده و حق الزحمه خود را تعیین می‌کند (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲). هپ (۲۰۱۰) بیان کرد که شدت مسئله نمایندگی، باعث افزایش ساعات کار حسابرسی می‌شود. سرمایه‌گذاران از شرکت‌هایی که در ساختار مالکیت آنها نشانه‌هایی از مسئله نمایندگی به چشم می‌خورد، انتظار دارند حسابرسان با کیفیت‌تری را استخدام کنند. از سوی دیگر، مدیریت برای جلب رضایت بازار سرمایه، اقدام به استخدام حسابرسان خوش‌نام می‌کند (گنچارف، ۲۰۱۲).

مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرس

منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت است. صرف نظر از چارچوب قانونی، ساختار مالکیت شرکت‌ها نیز می‌تواند ایجاد و توسعه مدل حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار دهد. ساختار مالکیت دو بُعد دارد: تمرکز مالکیت و هویت سهامداران. هویت سهامداران شامل مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، مالکیت دولتی و مالکیت خانوادگی است و تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان قابل ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده یا اکثریت تعلق داشته باشد (اعتمادی، ۱۳۸۸). یکی از سازوکارهای کنترل بیرونی مؤثر بر حاکمیت شرکتی، ظهور سرمایه‌گذاران حقوقی یا مالکان سرمایه است. با توجه به فرضیه نظارت کارآمد، به دلیل حجم ثروت سرمایه‌گذاری شده، نهادها احتمالاً سرمایه‌گذاری خود را به صورت فعال مدیریت می‌کنند. بر اساس این نگرش سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران متبصری هستند که از مزیت نسبی در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات برخوردارند. این سهامداران در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین اجزای بازار سرمایه تبدیل شده‌اند. به دلیل سرمایه‌گذاری بلندمدت، سهام‌داران نهادی در

شرکت تمایل زیادی به صرف منابع برای تأثیرگذاری و نظارت در حوزه مدیریتی دارند (فروغی و احمدی، ۱۳۸۹). وجود مالکیت نهادی، مدیریت شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت طلبانه وامی دارد (مک کونل و سرواس، ۱۹۹۰). علاوه بر این، وجود مالکان نهادی در یک شرکت، منجر به گزارشگری مالی با کیفیت بالاتر می‌شود. بنابراین یکی از نتایج حضور مالکان نهادی در شرکت‌ها، ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر است (مهرانی، قیومی و مرادی، ۱۳۹۱) که در نتیجه آن، ریسک حسابرسی و به دنبال آن، حق الزحمه حسابرسی، کاهش خواهد یافت.

مالکیت مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی

مالکیت مدیریتی، درصد سهام در اختیار مدیران داخلی شرکت تعریف می‌شود. سطح مالکیت مدیریتی متفاوت است. این تفاوت سطح می‌تواند معیاری برای اندازه‌گیری تضاد منافع بین مدیر و مالک مد نظر قرار گیرد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). بر اساس نظریه جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، مالکیت مدیریتی مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران را به دلیل همسو کردن منافع مدیران و سهامداران، کاهش خواهد داد. به نظر می‌رسد که این موضوع انگیزه‌ای است که مدیران را به سمت کنترل بهتر و رسیدن به عملکرد مناسب‌تر سوق می‌دهد. در تقسیم‌بندی ساختار سازمان‌ها، وجود مالکیت مدیریتی بالا، شکاف بین مالکیت و مدیریت را کاهش داده و عدم تقارن اطلاعاتی نیز نسبت به سایر سازمان‌ها پایین‌تر خواهد بود. به علاوه، جنسن (۱۹۸۶) نشان داد مدیرانی که در شرکت تحت مدیریت خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نسبت به سایر مدیران، از تصمیمات با ریسک بالا اجتناب می‌کنند. بنابراین، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش تصمیمات با ریسک پایین، نیاز هزینه‌های نظارتی (حق الزحمه حسابرسی) را کاهش می‌دهد.

مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی

شرکت‌های خانوادگی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت، از عواملی هستند که شرکت‌های خانوادگی به کمک آنها تعریف می‌شوند (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹). در شرکت‌های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، بلکه مدیر نیز هستند. وجود مالکیت خانوادگی ریسک تضاد منافع را افزایش می‌دهد (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲). بنابراین این نگرانی وجود دارد که اعضای خانواده عضو هیئت‌مدیره برای حداکثرسازی سود خود، برخلاف منافع سهامداران دیگر عمل کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). این تضاد منافع باعث افزایش هزینه نظارتی (حق الزحمه حسابرسی) خواهد شد، اما عده‌ای دیگر بر این باورند که به دلیل سهامدار

بودن اعضای خانواده در شرکت و نقش مدیریتی آنها، همسویی منافع مدیران و سهامداران وجود خواهد داشت که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان می‌شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وجود مالکیت خانوادگی، باعث افزایش کیفیت سود، کاهش اقلام تعهدی غیر عادی، افزایش ارزش شرکت (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲؛ نمازی و محمدی، ۱۳۸۹) و به‌دنبال آن، کاهش ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی خواهد شد. بنابراین با توجه به دو دیدگاه گفته‌شده، انتظار می‌رود که بین حق‌الزحمه حسابرسی و مالکیت خانوادگی ارتباط معناداری وجود داشته باشد.

مالکیت دولتی و حق‌الزحمه حسابرسی

دنيس و مک‌کونل (۲۰۰۳) مالکیت دولتی را این‌گونه تعریف کردند: «مالکیت دولتی نوع جالبی از تعدد سهامداران در عین تمرکز مالکیت است». در واقع نویسندگان بر این باورند که شرکت‌های دولتی، مالکان بسیاری دارند که در سراسر کشور پراکنده‌اند و در عین حال مدیریت آن به‌دست دولت‌مردان متمرکز شده است. از دید نویسندگان، این سهامداران به‌دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان‌های نقدی شرکت به‌طور مستقیم، هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. در نتیجه، به نوعی ریسک شرکت‌های دولتی را افزایش خواهند داد، اما عده‌ای اعتقاد دیگری دارند و بر این باورند که هزینه‌های نظارتی (حسابرسی) در شرکت‌های دولتی کمتر است. به‌دلیل اینکه دولت‌مردان با انگیزه حُسن شهرت، بر مدیران نظارت کافی خواهند داشت و دیگر اینکه وجود مالکیت دولتی به نوعی سازوکار حمایت از سرمایه‌داران، به‌خصوص سرمایه‌داران اقلیت است (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲). بر این اساس مک و هیو (۱۹۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وجود درصدی از مالکیت دولتی در شرکت‌ها، بر اساس نظریه علامت‌دهی، باعث افزایش ارزش این شرکت‌ها شده است. به‌واسطه ساختار دولتی اقتصاد ایران و همچنین نقشی که دولت به‌منزله سهامدار در بسیاری از شرکت‌ها برعهده گرفته است، انتظار می‌رود به‌دلیل مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست‌های مالکیتی، نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌هایی با سهامداری دولت فراهم آید که این کنترل بتواند از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. پس این احتمال وجود دارد که کاهش در پیچیدگی‌های عملیاتی یک واحد اقتصادی و کاهش ریسک شرکت، موجب کاهش حق‌الزحمه خدمات حسابرسی شود (رجبی و خسوئی، ۱۳۸۷). در واقع ساختار مالکیت و انواع آن (کنترل خانوادگی، کنترل نهادی، کنترل دولتی و مدیریتی) با تأثیرگذاری بر شدت مسئله نمایندگی، سطح حاکمیت شرکتی و ریسک حسابرسی، بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است.

پیشینه تجربی

بن‌علی و لسیچ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین نوع سهامداران کنترل‌کننده و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. آنان سهامداران کنترل‌کننده را به سه دسته سهامداران نهادی، سهامداران خانوادگی و سهامداران دولتی تقسیم کردند. نتیجه پژوهش آنها نشان داد که رابطه معناداری بین مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه حسابرسی وجود ندارد، اما بین مالکیت دولتی و نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه معنادار و مثبتی دیده می‌شود.

زینگز (۲۰۱۲) به بررسی سطح حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت که بر اساس داده‌های شرکت‌های چینی انجام شد. نتایج نشان داد که بین سطح حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. هرچه سطح حاکمیت شرکتی بالاتر باشد، حق‌الزحمه حسابرسی کمتر خواهد بود. بن‌علی و لسیچ (۲۰۱۱) به بررسی سطح تمرکز مالکیت و حق‌الزحمه حسابرسی در چهار کشور نمونه پرداختند. آنها تأثیر قانون حمایت از سرمایه‌داران را نیز در پژوهش خود لحاظ کردند (آمریکا و انگلیس کشورهایی با قانون حمایت از سرمایه‌داران قوی در نظر گرفته شدند و آلمان و فرانسه کشورهایی محسوب شدند که قانون حمایت از سرمایه‌داران قوی ندارند). سطح تمرکز مالکیت را نیز به دو سطح سهامداران کنترل‌کننده و مدیریتی تقسیم کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در کشورهای با قانون حمایت از سرمایه‌داران، مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران بیشتر مطرح است و در کشورهایی که قوانینی برای حمایت از سرمایه‌داران قوی ندارند، مسئله نمایندگی بین سهامداران کنترل‌کننده و اقلیت بیشتر مطرح است. هی، نیکل و وانگ (۲۰۰۶) پژوهشی در زمینه حق‌الزحمه حسابرسی انجام دادند که بر اساس آن، حق‌الزحمه حسابرسی به ویژگی شرکت مورد رسیدگی، ویژگی‌های شرکت حسابرسی و شرایط خاصی بستگی دارد که ممکن است در هر قرارداد حسابرسی وجود داشته باشد.

نیمی در سال ۲۰۰۵ مدل چن و ویلیام (۱۹۹۳) را آزمود. او همزمان بین حق‌الزحمه حسابرسی و ترکیب مدیریتی و غیر مدیریتی بودن سهامداران رابطه معناداری پیدا نکرد، اما با تغییر در نمونه انتخابی، نتیجه پژوهش خود را این‌گونه بیان کرد: ۱. بین حق‌الزحمه حسابرسی و وجود سهامداران مدیریتی رابطه منفی وجود دارد؛ ۲. بین حق‌الزحمه حسابرسی و مدیریت خارج از سهامداران رابطه مثبت وجود دارد.

فن و وانگ (۲۰۰۵) عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی در آسیا (جایی که شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی زیاد دیده می‌شود و قوانین حمایتی از سرمایه‌گذاری قوی نیست) را آزمودند. آنان به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و مستقیمی وجود

دارد. پیوت (۲۰۰۱) نیز رابطه معناداری بین تمرکز مالکیت و انتخاب چهار شرکت بزرگ حسابرسی (کیفیت حسابرسی) پیدا نکرد.

چن و همکارانش (۱۹۹۳) فرض کردند که وجود مالکیت مدیران (مالکیت مدیران و سهامداران بیش از ۵ درصد باشد)، مسئله نمایندگی را کاهش می‌دهد. آنان استدلال کردند که وجود مالکیت در شرکت‌های بزرگ با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی دارد، اما این نتیجه برای شرکت‌های کوچک صادق نبود. جنسن (۱۹۸۶) در پژوهشی که به بررسی هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و تصاحب پرداخت. وی به این مسئله نیز اشاره کرد که در کشورهایی با قانون حمایت از سرمایه‌داران قوی، مسئله نمایندگی معمولاً بین مدیران و سهامداران است.

نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) به بررسی عوامل مؤثر بر حق الزحمه پرداختند. نتایج پژوهش آنان پس از بررسی صورت‌های مالی و مصاحبه با مسئولان نشان داد، متغیرهای حجم عملیات (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و تورم، ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند، ولی متغیرهای ریسک حسابرسی و تحصیلات و تجربه مسئول تهیه‌کننده صورت-های مالی، با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط معناداری ندارند.

رجبی و محمدی خشویی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه هزینه‌های نمایندگی از دید حاکمیت شرکتی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل سال ۱۳۸۴ در بورس ایران پرداختند. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که وجود سهامداران نهادی کنترل‌کننده، رابطه معنادار و منفی با حق الزحمه حسابرسی دارد.

علوی، رباطی و یوسفی اصل (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی با توجه به فرصت‌های رشد، میزان سود تقسیمی و اهرم مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که جریان نقد آزاد آنها بالاتر و فرصت‌های رشد آنها زیاد است، بیشتر از شرکت‌هایی است که جریان نقد آزاد آنها پایین اما فرصت‌های رشد بالایی دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد، در شرکت‌هایی که جریان‌های نقد آزاد و فرصت-های رشد آنها بالا باشد، با افزایش میزان بدهی‌ها، میانگین حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. باتوجه به مبانی نظری پژوهش و پیشینه آن، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط، نمی‌تواند از نوع پژوهش‌های تجربی محض باشد، اما با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی شمرده می‌شود. همچنین با توجه به اینکه نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی - رگرسیونی است.

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ هستند. در پژوهش پیش رو، برای تعیین نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین ترتیب که از بین همه شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۳۸۴، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبودند، حذف شده و شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. شرکت‌ها باید در طول سال مالی تداوم فعالیت داشته باشند؛
 ۲. نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری نباشند؛
 ۳. شرکت‌هایی که سال مالی آنها به پایان اسفند ماه ختم می‌شود؛
 ۴. اطلاعات مالی آنها قابل دسترسی باشد.
- درنهایت پس از طی مراحل بیان‌شده، تعداد ۸۵ شرکت برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

قبل از برازش الگو و با توجه به اینکه شرکت‌های منتخب این پژوهش مربوط به صنایع مختلف بودند، درنتیجه امکان ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع این مشکل، از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته برای برازش الگو استفاده شد. همچنین قبل از برازش مدل، به‌منظور بررسی عدم وجود خودهمبستگی در باقی‌مانده‌های الگو، از آماره دوربین - واتسون بهره‌جویی شد که نتایج حاکی از عدم وجود خودهمبستگی در باقی‌مانده‌ها بود. در همین راستا برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از الگوی رگرسیونی نمایش‌داده شده در رابطه ۱ استفاده شده است:

$$\begin{aligned} \ln \text{AuditFEE} = & \beta_0 + \beta_1 \text{DummyFam} + \beta_2 \text{GOV} + \beta_3 \text{INST} \\ & + \beta_4 \text{Manage} + \beta_5 \text{Size} + \beta_6 \text{GRW} + \beta_7 \text{LEV} \\ & + \beta_8 \text{ROA} + \varepsilon \end{aligned} \quad (\text{رابطه ۱})$$

تعریف نماد متغیرهای الگوی پژوهش به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. تعریف متغیرهای الگو

متغیر مورد بررسی	نماد	متغیر مورد بررسی	نماد
اندازه شرکت	Size	حق الزحمه حسابرسی	Ln AuditFee
رشد فروش	Grw	متغیر مجازی برای مالکیت خانوادگی	Dummy Fam
اهرم مالی	Lev	درصد مالکیت دولتی	Gov
بازده دارایی‌ها	Roa	درصد مالکیت نهادی	Inst
		درصد مالکیت مدیریت	Manage

متغیرهای پژوهش

حق الزحمه حسابرسی: برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی هزینه حسابرسی استفاده شده است (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲). استفاده از لگاریتم، به منظور همگن کردن متغیر حق الزحمه حسابرسی با سایر متغیرها بوده است. این متغیر از متن صورت‌های مالی، بخش هزینه‌های عمومی اداری، هزینه حسابرسی و سایر هزینه‌ها استخراج شده است.

مالکیت خانوادگی: در این پژوهش، شرکت‌هایی خانوادگی تلقی می‌شوند که دست‌کم بیست درصد از سهام آنان به صورت فردی یا گروهی در دست اعضای خانواده باشد، یا شرکت‌هایی که حداقل یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیئت‌مدیره یا مدیر اجرایی بوده و به طور فعالی در هیئت‌مدیره شرکت مشارکت داشته باشد و دست‌کم دو نسل از خانواده، نقشی در کنترل شرکت داشته باشد (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹). از این رو در پژوهش حاضر، اگر شرکتی ویژگی فوق را داشته باشد، خانوادگی تلقی شده و عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

درصد مالکیت دولتی: در این پژوهش مالکیت دولتی، هرگونه سرمایه‌گذاری وابسته به دولت مانند، بنیاد مستضعفان، سازمان بیمه تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری ملی ایران و... در نظر گرفته شده است (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲).

درصد مالکیت نهادی: براساس تعریف بوشی (۱۹۹۸)، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذارانی مانند بانک‌ها، مادرشرکت‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۱).

درصد مالکیت مدیریتی: این متغیر از تقسیم سهام نگهداری شده هیئت مدیره، بر کل سهام شرکت در هر دوره به دست می آید (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

نرخ رشد فروش: برای محاسبه این متغیر، نرخ رشد درآمد فروش شرکت در هر سال نسبت به سال قبل محاسبه شده است (هویناش، مارگلوپیچ و بارگاتو، ۲۰۰۷).

بازده دارایی ها: این متغیر از تقسیم سود خالص بر کل دارایی ها محاسبه می شود. با افزایش سودآوری، مسئولیت و تعهد حسابرسان نسبت به ادعاهای احتمالی در مورد سودآوری افزایش یافته که در نتیجه آن، حسابرسان حق الزحمه بیشتری طلب می کنند (ونکاترمن، وبر و ویلنبرگ، ۲۰۰۵).
اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت، از لگاریتم طبیعی دارایی ها استفاده شده است (اعتمادی و منتظری، ۱۳۹۲).

اهرم مالی: این متغیر از طریق نسبت ارزش دفتری کل بدهی ها به ارزش دفتری کل دارایی ها در هر دوره به دست آمده است (فرناندو، الدر و مگوید، ۲۰۰۸).

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. با توجه به نزدیکی میانه و میانگین در بیشتر متغیرها و همچنین سایر آماره های به دست آمده از متغیرهای مختلف، می توان گفت که همه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
حق الزحمه حسابرسی	۱۹/۵۰۸	۱۹/۴۰۶	۰/۶۸۷	۱۹/۸۲	۱۶/۸۱۱
مالکیت دولتی	۰/۲۸۰	۰/۲	۰/۲۸۸	۱	۰
مالکیت خانوادگی	۰/۲۸۶	۰	۰/۴۵۲	۱	۰
مالکیت نهادی	۰/۷۰۶	۰/۸۰۵	۰/۲۷۰	۱	۰
مالکیت مدیریتی	۰/۸۷۴	۰/۷۱۵	۴/۴۸۴	۹۹/۱	۰
بازده کل دارایی ها	۰/۱۷۷	۰/۱۶۴	۰/۱۲۴	۰/۶۲۴	-۰/۱۸
اهرم مالی	۰/۶۴۲	۰/۶۴۵	۰/۱۸۲	۱/۴۷	۰/۰۳۱
نرخ رشد	۰/۱۰۸	۰/۱۳	۰/۳۱۸	۱/۱۵	-۰/۱۸
اندازه شرکت	۱۲/۳۷۷	۱۲/۳	۱/۳۹۴	۱۶/۸	۹/۳

بررسی نتایج کمی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیر وابسته حق الزحمه حسابرسی، به ترتیب ۱۹/۵۰۸ و ۱۹/۴۰۶ است. همچنین با بررسی مالکیت خانوادگی نسبت به مالکیت نهادی و مدیریتی، متوجه می‌شویم که مالکیت خانوادگی در شرکت-های بورسی مورد مطالعه در این پژوهش، درصد پایینی است.

آمار استنباطی

همان‌گونه که در بخش مربوط به فرضیه‌ها نیز بیان شد، هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختار مالکیت شرکت‌ها بر حق الزحمه حسابرسی است. در همین راستا با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، الگویی متشکل از یک سری متغیر مستقل تدوین شد. قبل از برآزش الگو، به کمک نرم‌افزار Eviews آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی یا الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۱۳/۹۹۳	۰/۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی

همان‌طور که در جدول ۳ نیز مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد فرض H_0 است؛ در نتیجه، الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است. بنابراین باید برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. در ادامه نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۱۶/۱۳۳۰۹۱	۰/۰۲۳۹	الگوی داده‌هایی تابلویی با اثرات ثابت

همان‌طور که در جدول ۴ نیز مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد فرض H_0 است؛ در نتیجه روش الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است. در نهایت با توجه به نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل پژوهش با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت (رابطه ۱) برآورد شده است. در ادامه نتایج مربوط به آزمون رابطه ۱ در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد رابطه ۱

$$\text{LnAuditFEE} = \beta_0 + \beta_1 \text{DummyFam} + \beta_2 \text{GOV} + \beta_3 \text{INST} + \beta_4 \text{Manage} + \beta_5 \text{Size} + \beta_6 \text{GRW} + \beta_7 \text{LEV} + \beta_8 \text{ROA} + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح خطا
عرض از مبدأ	۱۹/۶۴	۸۴/۴۷	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	۰/۲۵	۱/۱۷	۰/۲۴
مالکیت مدیریتی	۰/۰۰۰۵	۰/۱۱۴	۰/۹۰
مالکیت دولتی	-۰/۴۷	-۲/۷۳	۰/۰۰۶
مالکیت خانوادگی	۰/۳۵	-۱/۸۸	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	۰/۰۰۰۱	۷/۴۲	۰/۰۲۷
اهرم مالی	-۰/۳۸	-۱/۸۴	۰/۰۶۶
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۹۸	۰/۳۷	۰/۷۱
نرخ رشد	-۰/۲۰۳	-۲/۶۵	۰/۰۰۸

آماره F (احتمال آماره F): ۱۳/۵۶ (۰/۰۰) ضریب تعیین: ۰/۷۵
 ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۹ آماره دوربین - واتسون: ۱/۶۴

با نگاهی به نتایج جدول ۵ و با توجه به آماره F و سطح خطای به دست آمده برای آن، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای مدل پژوهش، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل پژوهش بیش از ۶۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. در ادامه به بررسی نتایج به دست آمده مربوط به فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

فرضیه اول به بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی با مالکیت خانوادگی می‌پردازد. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۵، ضریب متغیر مالکیت خانوادگی برابر ۰/۳۵۷ است و با توجه به P-Value آن که برابر با ۰/۰۰۴۲ بوده و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه دوم به بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی با مالکیت دولتی می‌پردازد. با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد مدل در جدول ۵، ضریب متغیر مالکیت دولتی برابر ۰/۴۷۴- است و با توجه به P-Value (۰/۰۰۶) و سطح خطای کمتر ۰/۰۵، فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه سوم به بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی با مالکیت نهادی می‌پردازد. از نتایج برآورد الگو (جدول ۵) درمی‌یابیم که ضریب متغیر مالکیت نهادی برابر ۰/۲۵۷ است و با توجه به مقدار P-Value آن که برابر ۰/۲۴۰۳ بوده و بیش از سطح خطای مورد پذیرش است، این فرضیه تأیید نمی‌شود.

فرضیه چهارم رابطه بین حق الزحمه حسابرسی با مالکیت مدیریتی را بررسی می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده از برآورد مدل در جدول ۵، مقدار ضریب متغیر مالکیت مدیریتی را ۰/۰۰۰۵ نشان می‌دهد و با توجه به اینکه P-Value (۰/۹۰) بیش از سطح خطای مورد پذیرش است، فرضیه چهارم تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله تضاد منافع بین مالکان و مدیران، در کشورهایی با قانون مدنی خاص (مثل ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه)، به‌دلیل ضعف در قوانین حمایت از سرمایه‌گذاران، بیشتر از کشورهای با قانون عرفی (مثل آمریکا) دیده می‌شود. با توجه به اینکه نیاز اطلاعاتی سهامداران متفاوت است، بنابراین به‌دست آوردن سطوح مختلف اطمینان بخشی و کیفیت حسابرسی، حق الزحمه متفاوتی را می‌طلبد (بن‌علی و لسیج، ۲۰۱۲). مطالعات پیشین در کشور ایران، تأثیر عواملی چون، حجم عملیات (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و تورم بر حق الزحمه حسابرسی را اثبات کرده‌اند، اما هدف از این پژوهش بررسی تأثیر عوامل ساختار مالکیتی چون، مالکیت خانوادگی، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی و مالکیت مدیریتی بر حق الزحمه حسابرسی است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی، ارتباط معناداری وجود دارد. اما با توجه به مثبت‌بودن این رابطه، می‌توان نتیجه گرفت در بازار سرمایه ایران، حسابرسان با افزایش میزان مالکیت خانوادگی، ریسک تضاد منافع را بیشتر برآورد می‌کنند. بنابراین برای حسابرسان این نگرانی وجود دارد که اعضای خانواده عضو هیئت‌مدیره برای حداکثرسازی سود خود، برخلاف منافع سهامداران دیگر عمل کنند، از این رو حق الزحمه بیشتری طلب می‌کنند. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های فن و وانگ (۲۰۰۵) مطابقت داشته، اما با نتایج مطالعه بن-علی و لسیج (۲۰۱۲) مطابقت ندارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از ارتباط معنادار بین مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی است. با توجه به منفی‌بودن این رابطه می‌توان گفت حسابرسان در کشور ایران معتقدند که هزینه‌های نظارتی در شرکت‌های دولتی کمتر است؛ چرا که دولت‌مردان با انگیزه حُسن شهرت، بر مدیران نظارت کافی خواهند داشت. به بیان دیگر می‌توان گفت، به‌دلیل ساختار دولتی اقتصاد ایران، حسابرسان انتظار دارند به‌واسطه مشخص‌بودن انتظارات عملیاتی و

هماهنگی سیاست‌های مالکیت، نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌هایی با مالکیت دولتی فراهم آید که این کنترل، از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. بنابراین کاهش در پیچیدگی‌های عملیاتی یک واحد اقتصادی و کاهش ریسک شرکت، موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعه بن‌علی و لیسج (۲۰۱۲) مطابقت دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد، بین مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود ندارد. شاید بتوان دلیل معنادار نبودن این فرضیه را چنین بیان کرد، در کشور ایران سهامداران نهادی نقش خود را در تعدیل هزینه‌های نمایندگی به درستی ایفا نمی‌کنند؛ به گونه‌ای که سهامداران نهادی، به شرکت‌های تحت مالکیت خود بیشتر همچون یک ابزار برای سودآوری نگاه کرده و از آن استفاده می‌کنند. در واقع، این دیدگاه سهامداران نهادی در کشور ایران، حاکی از دید کوتاه‌مدت این سرمایه‌گذاران در شرکت‌های تحت تملک است. نتایج این فرضیه با یافته‌های مطالعه پیوت (۲۰۰۱) و نیمی (۲۰۰۵) مطابقت دارد. در نهایت، نتایج حاصل از فرضیه چهارم نیز از عدم معناداری ارتباط بین مالکیت مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی حکایت دارد. دلیل رد این فرضیه را می‌توان چنین بیان کرد که در کشور ما، هرچه میزان مالکیت مدیریت بیشتر باشد، انتخاب حسابرس براساس معیارهایی چون روابط بین مدیران با کارفرما و نوع گزارش حسابرسی صورت می‌گیرد و ارتباط معناداری با کیفیت حسابرسی و در نتیجه حق‌الزحمه آن ندارد. به‌طور کلی با توجه به نتایج چهار فرضیه بررسی شده، می‌توان نتیجه گرفت حسابرسان برای تعیین حق‌الزحمه خود ساختار مالکیتی شرکت را مورد توجه قرار داده و متناسب با آن، خدمات حسابرسی خود را قیمت‌گذاری می‌کنند.

در پایان با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌شود:

- با توجه به یافته‌های پژوهش، به سهامداران جزء پیشنهاد می‌شود با افزایش اعضای خود در ترکیب هیئت‌مدیره و کنترل بیشتر بر شرکت‌هایی که دارای مالکان خانوادگی هستند، از اعمال نظرهای مالکان خانوادگی در فعالیت‌های شرکت جلوگیری کنند تا خطر تضاد منافع بین سهامداران کاهش یافته و حق‌الزحمه کمتری برای حسابرسی پرداخت کنند.
- به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود سهام شرکت‌هایی که دارای مالکیت دولتی هستند را با ریسک کمتری خریداری کنند.
- همچنین به مالکان نهادی توصیه می‌شود به‌منزله یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، بر فعالیت‌های شرکت کنترل بیشتری داشته باشند، به گونه‌ای که حسابرسان با در نظر گرفتن مالکان نهادی شرکت‌ها، ریسک تضاد منافع را کمتر برآورد کرده و حق‌الزحمه کمتری طلب کنند.

منابع

- اعتمادی، ح؛ باباجانی، ج؛ آذر، ع. و دیانتی دیلمی، ز. (۱۳۸۸). تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۴): ۹۱-۵۹.
- اعتمادی، ح. و منتظری، ج. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر رقابت بازار تولید. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۳): ۲۶-۱.
- رجبی، ر. و محمدی خشوئی، ح. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۵۳(۳): ۵۲-۳۵.
- علوی، ح؛ رباطی، م. و یوسفی اصل، ف. (۱۳۹۱). مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمون مبتنی بر فرضیه جریان نقد آزاد. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹(۲): ۹۷-۱۲۲.
- فروغی، د. و احمدی، ن. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ترکیب سهامداران و کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری*، ۵(۱): ۱۰۳-۹۰.
- مجتهدزاده و. (۱۳۹۰). رابطه نظریه نمایندگی و مالکیت مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه تحقیقات حسابداری*، ۳(۱۰): ۲۱-۴.
- مهرانی، س.، قیومی، ف. و مرادی، م. (۱۳۹۱). رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، ۳(۳۱): ۵۵-۱۱.
- نمازی م. و محمدی م. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۵۹(۲): ۱۹۴-۱۵۹.
- نیک‌بخت، م. و تنانی، م. (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۲): ۱۳۲-۱۱۱.
- Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, *China Journal of Accounting Research*, 6 (1): 21-34.
- Ben Ali, C. & Lesage C. (2011). *Ownership concentration and audit fees: do auditors matter most when investors are protected least?* available at URL: WWW .hec.fr.
- Chan, P., Ezzamel, M. & Gwilliam, D. (1993). Determinants of audit fees for quoted UK companies. *Journal of Business Finance & Accounting*, 20 (6): 765-786.
- Denis, D. K. & McConnell, J. J. (2003). International corporate governance. *Journal of Financial & Quantitative Analysis*, 38 (1): 1-36.

- Fama, F. & Jensen C.M. (1983). Corporations and Private Property: A Conference Sponsored by the Hoover Institution. *Journal of Law and Economics*, 26 (2): 327-349.
- Fan, J.P.H. & Wong, T.J. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, 43 (1): 35-72.
- Fernando, G., Elder, R. and Abdel-Meguid, A. (2008). Audit quality attributes, Client size and Cost of capital. *Electronic copy available at: <http://ssrn.com>*.
- Goncharow, I., Riedl, E.J., Selhorn, T. (2012). Fair Value and Audit Fees, available at URL: <http://ssrn.com>.
- Hay, D.C. & Knechel, W.R. & Wong, N. (2006). Audit fees: a meta- analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary, Accounting Research*, 23 (1): 141-191.
- Hoitash, R. Markelevich, A. and Barragato, C. (2007). Auditor Fees and Audit Quality. *Managerial Auditing Journal*, 22(8): 527-553.
- Hope, O.K., Langli, J.C. & Thomas, W.B. (2010). Agency conflicts and auditing in private firms. available at URL: <http://ssrn.com>.
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *American Economic Review*, 76(2): 323-329.
- Lopez, D., Lopez-Iturriaga, F.J. & Santamaria-Mariscal, M. (2007). Ownership Structure, Sharing of Control and Legal Framework: international evidence. *Corporate Governance*, 15(6): 1130-1143.
- McConnell, J.J. & Servaes, H. (1990). Additional evidence on equity ownership and corporate value. *Journal of Financial Economics*, 27 (2): 595-612.
- Niemi, L. (2005). Audit effort and fees under concentrated client ownership: evidence from four international audit firms. *The International Journal of Accounting*, 40 (4): 303-323.
- Piot, C. (2001). Agency costs and audit quality: evidence from France. *European Accounting Review*, 10 (3): 461-499.
- Venkataraman, R., Weber, J., Willenborg, M. (2005). Litigation risk, audit fees and audit quality: Initial public offering as a natural experiment, *Electronic copy available at: <http://www.ibrarian.net/navon/page.jsp?paperid=3861150&searchTerm=142+goodwill>*
- Xingze, W. (2012). Corporate governance and audit fees: Evidence from companies listed on the Shanghai Stock Exchange. *China Journal of Accounting Research*, (5): 321-342.